

نقش دو مؤلفه حفاظت و پویایی در باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی مورد پژوهی: میراث معماری محوطه تاریخی چغازنبیل^۱

محمدسعید ایزدی^۲

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا

شیمنا شاه‌رخی^۲

کمال‌الدین نیکنامی^۳

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

دریافت: ۲۳ خرداد ۱۴۰۰
پذیرش: ۹ آبان ۱۴۰۰
(صفحه ۱۲۴-۱۰۵)

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان مفهوم‌شناسی تداوم ارزش‌های مکانی در باززنده‌سازی میراث معماری که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در تیرماه سال ۱۴۰۱ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران دفاع شده است.
۲. نویسنده مسئول، دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی shima.shahrokh@outlook.com
۳. kniknami@ut.ac.ir
۴. msizadi@basu.ac.ir

کلیدواژه‌گان: باززنده‌سازی، میراث معماری، حفاظت، تداوم، چغازنبیل.

چکیده

رویکرد باززنده‌سازی در عرصه حفاظت از میراث معماری نیازمند شناسایی و احصای همه ارزش‌های مرتبط با اثر است. اما در فرایند باززنده‌سازی به تأثیرگذاری جغرافیای طبیعی بر شکل‌گیری میراث معماری و بر اندیشه انسان برای خلق آن، با عنوان ارزش‌های مکانی، کمتر توجه شده است. ضعف در شناخت و تبیین این ارزش‌ها سبب از دست رفتن محیط طبیعی اثرگذار و نابودی یکپارچگی میراث معماری با زمینه‌اش می‌شود. از سوی دیگر، برای حفاظت از میراث معماری، علاوه بر شناسایی همه ارزش‌های مرتبط، تداوم این ارزش‌ها در بستر زمان نیز ضروری است. در این پژوهش، با هدف ارتقای دانش ارزش‌گذاری و توسعه نگاه ارزش‌محور در عرصه حفاظت از میراث معماری، شناخت و معرفی ارزش‌های مکانی برای تکمیل طبقه‌بندی موجود از ارزش‌ها و شناسایی مؤلفه‌های مفهوم «تداوم» برای دست یافتن به چگونگی استمرار این ارزش‌ها پیگیری گردیده و با رویکرد کیفی و راهبردی استدلال منطقی و به روش موردپژوهی، ابتدا با بازخوانی متون و نظریه‌های مرتبط، به تدقیق مفاهیم «ارزش‌های مکانی» و «تداوم» در میراث معماری پرداخته شده است و سپس با تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های «تداوم»، «شاخص‌های ارزش مکانی»، و ابعاد احصای آن‌ها، با عنوان یافته‌های پژوهش، استخراج شده و

برای تدوین چارچوب مفهومی «باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» به کار آمده است. در نهایت، با تحلیل داده‌های نظری و میدانی حاصل از بررسی «مجموعه معماری چغازنبیل»، به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده می‌شود. بنابر یافته‌های پژوهش، ارتباط میان سه شاخص «مبنای مکانی طبیعی»، «اندیشه ساخت»، و «کالبد ساخته‌شده» ارزش‌های مکانی را شکل می‌دهد و می‌توان این شاخص‌ها را در چهار بعد منظر، ساختار، عملکرد، و معنا در میراث معماری شناسایی کرد. همچنین، «پویایی» و «حفاظت» دو مؤلفه تداوم هستند که استمرار ارزش‌های مکانی منوط به «پویایی» شاخص‌ها با رویکرد «پوسعه پایدار» و «حفاظت» از روابط میان شاخص‌ها با رویکرد «کاهش خطر بلایا» در فرایند باززنده‌سازی خواهد بود.

مقدمه

در قرن بیست و یکم رویکرد حفاظت ارزش‌محور به بیان دیدگاه‌های گوناگون و طبقه‌بندی‌های ارزشی متفاوت انجامیده، تاجایی که موضوع نسبت‌پذیری و دگرگونی نیز در بیان ارزش‌ها اهمیت یافت، اما آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود،



درک و دریافت ارزش‌های مرتبط با تأثیرگذاری جغرافیای طبیعی بر اندیشهٔ انسان و کالبد اثر است. از آنجا که «مکان» منشکل از محیط طبیعی و مصنوعی در کنار اعمال انسانی و معانی است، مفهومی مجرد تلقی می‌شود به‌معنای قسمتی از یک فضا، و از طریق عناصری که در آن قرار دارند هویتی خاص می‌یابد. محور توجه در این پژوهش تعمق در بنیان‌های طبیعی^۷ و مؤلفه‌هایی است که مفهوم مکان را شکل می‌دهد و ارزش‌های مرتبط را ایجاد می‌کند. همچنین پژوهشگران، در تحقیق حاضر با تدقیق مفهوم «تداوم»، به‌دنبال استمرار این ارزش‌ها در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری هستند. در بخش مطالعات نظری این مقاله، با بررسی اسناد و رویکرد نظریه‌پردازان مختلف و با اتکا به تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، نگارندگان می‌کوشند مفاهیم تبیین و چارچوب مفهومی «باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» تدوین کنند تا بستر لازم برای حفاظت از ارزش‌های مکانی در جریان باززنده‌سازی میراث معماری فراهم شود؛ سپس با کمک نتایج مطالعات نظری، تحلیل داده‌های میدانی نمونهٔ پژوهش و مشاهدات بصری، به شناسایی بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری میراث معماری چغازنبیل و احصای ارزش‌های مکانی آن پرداخته می‌شود. در پایان، مجموعهٔ داده‌های به‌دست‌آمده از مبنای نظری با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش مبنی بر اینکه «مفهوم ارزش‌های مکانی در میراث معماری چیست؟» و «مؤلفه‌های تداوم در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری با چه رویکردهایی می‌توانند سبب حفاظت و استمرار ارزش‌های مکانی شوند؟» و مجموعهٔ داده‌های میدانی با هدف سنجش چارچوب مفهومی، طبقه‌بندی و تحلیل می‌شوند.

۱. پیشینهٔ تحقیق

با مروری بر ادبیات و پژوهش‌های پیشین دربارهٔ موضوع مقالهٔ حاضر روشن می‌شود که، علی‌رغم تأکید پژوهشگران حفاظت بر اهمیت تداوم حیات میراث معماری با رویکرد حفظ ارزش‌ها، پژوهشی در مورد «ارزش‌های مکانی» و چگونگی «تداوم» ارزش‌های میراث معماری انجام نشده است. به همین دلیل، با بررسی این منابع، دو دسته‌بندی کلی در نظر گرفته شده که در هر یک به‌طور جداگانه به مفاهیم «ارزش» و «تداوم» در قلمرو حفاظت از میراث معماری پرداخته و بر اهمیت آن تأکید شده است.

پرسش اصلی پژوهش

باززنده‌سازی میراث معماری با چه رویکردی می‌تواند سبب تداوم ارزش‌های مکانی شود؟

پرسش‌های فرعی

۱. مفهوم ارزش‌های مکانی در میراث معماری چیست؟
۲. مؤلفه‌های تداوم در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری با چه رویکردهایی می‌توانند سبب حفاظت و استمرار ارزش‌های مکانی شوند؟

۵. نک:

E. Relph, *Place and Placelessness*.

۶. نک: محمدصادق فلاحت و لیلا کمالی و صمد رشیدی، «نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری».

۷. در اینجا منظور عناصر طبیعی بنیادین و تأثیرگذار در منطقه است.



۸. مهدی حجت، میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی.
۹. نک: یوکا یوکیانو، تاریخ حفاظت معماری.
۱۰. نک: محمدرضا جهمزاده و مهام نجفی، «جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن».
۱۱. نک: پیروز حناچی و همکاران، «مدیریت ارزش‌گذاری در یافته‌های تاریخی با «استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»: نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار».
۱۲. نک: صد سامانیان و همکاران، «واکوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی-فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی».
۱۳. نک: مریم شیروانی و همکاران، «بارشنامی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر».
۱۴. نک: L.G. Horlings, "Values in Place: A Value-oriented Approach toward Sustainable Place-shaping".
۱۵. نک: سهیل لطفی، «پژوهشی درباره دگردیسی و پایداری در مرمت شهری».
۱۶. نک: فرهنگ مفسر و همکاران، «هستی‌شناسی مکان تاریخی».
۱۷. نک: مهرا ن علی‌الحسابی و همکاران، «ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن».
۱۸. نک: عفت صبوحی و همکاران، «تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان».

گروه نخست پژوهش‌هایی هستند که به شناسایی، طبقه‌بندی، و ارزیابی ارزش‌های مرتبط با میراث فرهنگی و بررسی سیر و روند تکاملی شناخت ارزش‌ها اختصاص یافته‌اند. محققان در این پژوهش‌ها بیش از همه به طبقه‌بندی ارزش‌ها توجه کرده‌اند؛ مهدی حجت ارزش‌های میراث فرهنگی را منطبق با نظریات فیلین طبقه‌بندی کرده است^۸ و فیلدن و یوکیانو هر دو به ضرورت توجه به ارزش‌ها در اقدامات حفاظتی تأکید کرده‌اند.^۹ رحیمزاده و نجفی در پژوهش خود بر اساس تفاوت بنیادین میان ارزش‌ها، آن‌ها را در دو گروه «ارزش‌های ذاتی» و «ارزش‌های عارضی» قرار می‌دهند و مؤلفه زمان را در شناسایی و درک ارزش‌ها اثرگذار می‌دانند.^{۱۰} در دهه ۱۳۹۰ش حناچی و همکاران ارزش‌ها را کمابیش با همین روش طبقه‌بندی کرده و امر حفاظت را مبتنی بر شناخت و حفظ ارزش‌های اثر برشمرده‌اند.^{۱۱} همچنین پژوهشگران دیگری چون سامانیان و همکارانش^{۱۲} و شیروانی و همکارانش^{۱۳} در پژوهش‌های خود با تمرکز بر رویکرد ارزیابی به سیر تاریخی ارزش‌ها و انتظام زمانمند آن‌ها و عوامل مؤثر بر دگرگونی درک و دریافت ارزش‌ها پرداخته‌اند. در میان نظریه‌پردازان غرب، هورلینگز در مقاله خود برای بررسی ارزش‌ها، به چگونگی درک مکان، توسعه پایداری، و نقش فرهنگ در آن توجه می‌کند.^{۱۴} مطالعات متعددی در زمینه ارزش‌ها برای دستیابی به هدف پژوهش حاضر بررسی شدند، اما در این مقاله مجال پرداختن به همه آن‌ها نیست. این پژوهش‌ها در طول زمان، تحول نگرش به ارزش‌ها را به دنبال داشته و تا این زمان سبب شکل‌گیری دانش ارزش‌گذاری و گسترش شناسایی ارزش‌های متعدد شده‌اند. محققان مقاله حاضر با رویکرد مشابه، به دنبال شناخت و احصای ارزش‌های مکانی با هدف ارتقای دانش ارزش‌گذاری، توسعه نگاه ارزش‌محور و تکمیل طبقه‌بندی موجود از ارزش‌های شناسایی‌شده هستند.

گروه دوم پژوهش‌هایی با موضوع «تداوم» هستند که به

بررسی تغییرات و دگرگونی‌های میراث معماری و مکان‌های تاریخی در طول زمان اختصاص یافته‌اند. از این منظر، پژوهشگران با اعتقاد بر اینکه تغییر و حرکت همواره در حال رخ دادن است، شاخص‌های هویتی میراث را در بستر تغییرات بررسی کرده‌اند. به‌طور مثال لطفی با نگرینسنت به ابعاد مختلف زمانی، پایداری و دگردیسی در شهر را به‌طور هم‌زمان می‌بیند که این دگردیسی همواره تداوم دارد.^{۱۵} در پژوهش‌های دیگری شاخص‌های تداوم معنای مکان و حضور هم‌زمان دو کیفیت پویایی و ثبات در ادراک این تداوم بررسی می‌شود. فرهنگ مفسر و همکاران هویت مکان تاریخی را در حرکتی مداوم می‌دانند که نمی‌تواند از ثبات و بقا برخوردار باشد و دارای هویت «متغیر ثابت‌مدار» است.^{۱۶} علی‌الحسابی و همکاران در پژوهشی کیفیت‌های حاکم بر تداوم را «ثبات» و «تغییر» معرفی و بر این اساس شاخص‌های تداوم معنای مکان را مشخص می‌کنند، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که روابط بین اجزای مکان نقش بیشتری در ماندگاری و تداوم ذهنی معنای مکان دارد.^{۱۷} صبوحی و همکاران نیز در پژوهش خود به تحلیل دگرگونی‌های مکان در گذر زمان و تداوم آن مکان در تعامل با انسان می‌پردازند و به انطباق دگرگونی‌های درک مکان با کسب آگاهی‌های جدید توسط انسان می‌رسند.^{۱۸} تحلیل دیدگاه این پژوهشگران مؤید اهمیت موضوع تداوم و استمرار حیات میراث معماری با حفظ کیفیت اصیل خود در طول زمان است. آن‌ها کوشیده‌اند وجود ارتباط بین گذشته و حال (هم از بعد کالبدی و هم غیرکالبدی)، ارتباط قابل‌شناسایی قبل و بعد از مداخله، استمرار در وجوه کیفی و کمی، و همچنین «تغییر و ثبات» را به‌منزله مؤلفه‌های مؤثر بر تداوم هویت اثر معرفی کنند، اما به چگونگی تداوم ارزش‌ها برای استمرار حیات میراث معماری نپرداخته‌اند.

۲. روش تحقیق

در پژوهش پیش رو روش تحقیق کیفی و با راهبرد استدلال منطقی و به شیوه مورد پژوهی است و کوشش می‌شود تا تحلیل داده‌های کیفی گردآوری‌شده از مطالعات نظری، یافته‌های تحقیق بدست آید و سپس از راه استدلال منطقی، چارچوب مفهومی پژوهش شکل گیرد. هدف اصلی از این پژوهش «تدقیق مفهوم ارزش‌های مکانی در میراث معماری و چگونگی تداوم آن‌ها در فرایند باززنده‌سازی» است. بنابراین، با توجه به هدف پژوهش، ابتدا به بررسی متون و رویکرد نظریه‌پردازان در ارتباط با مفاهیم پژوهش پرداخته می‌شود تا با بازخوانی و واکاوی اسناد و کتوبات‌های بین‌المللی، مفهوم «ارزش‌های مکانی» تبیین و تدقیق شود، سپس با روش مورد پژوهی که مبتنی بر بررسی اسنادی^{۱۹} و مشاهده است، اطلاعات از نمونه موردی پژوهش جمع‌آوری و یافته‌های حاصل از مشاهده تحلیل می‌گردد. قلمرویی مکانی تحقیق شهر دوراوتناش و محوطه میراث معماری چغازنبیل است.

۳. مبانی نظری

۱. بیان مفاهیم از منظر اندیشمندان و اسناد

بررسی ادبیات مرتبط و نظریات پژوهشگران مختلف می‌تواند در شناخت و به‌کارگیری مفاهیم این پژوهش راهگشا باشد. مفاهیم «ارزش»، «مکان»، و «تداوم» از مفاهیم کلیدی تحقیق حاضر برای دستیابی به هدف پژوهش هستند. واژه باززنده‌سازی، به‌معنای از نو زنده کردن و دوباره به زندگی برگرداندن، دربرگیرنده همه اقداماتی (مرمت و احیا) است که سبب بازگرداندن دوباره اثر به زندگی امروز می‌شود. باززنده‌سازی ذاتی پویا دارد و نیازمند پژوهش و ارزیابی علمی- فنی است و حکایت از شناخت و تدبیر و طراحی‌ای دارد که بر طول زمان متکی است.^{۲۰} دیگری واژه «ارزش» است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد، با عنوان عاملی اثرگذار بر سیاست‌های حفاظتی طرح

شده و از این زمان به امر حفاظت با رویکردی مبتنی بر ارزش توجه و بدان اقدام شده است، به‌طوری‌که در منشورها و اسناد بین‌المللی مختلف بر آن تأکید شده و حفاظت از میراث حفاظت از ارزش‌ها برشمرده شده است. برای نمونه در سند نارا ریشه حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی در همه شکل‌ها و دوره‌های تاریخی در ارزش‌های میراث قلمداد می‌شود. هم‌زمان با پیشرفت و توسعه دانش حفاظت، ارزش‌های متعددی در عرصه حفاظت از میراث معماری و مکان‌های تاریخی شناسایی و طبقه‌بندی شد و پس از آن نیز مفهوم ارزش‌های ملموس و ناملموس، مفهوم نسبی ارزش با توجه به زمان، و بسترهای فرهنگی متفاوت شکل گرفت. پژوهشگرانی چون حناچی و رحیم‌زاده بر اساس نظریات براندری ارزش‌های شناسایی‌شده راه، با توجه به مؤلفه زمان، در سه گروه مرتبط با زمان آن آفرینش اثر، مرتبط با دوران زندگی اثر، و مرتبط با زمان حاضر طبقه‌بندی کرده‌اند.^{۲۱} در پژوهش حاضر نیز با توجه به موضوع «تداوم ارزش‌ها»، طبقه‌بندی بر اساس زمان مبنا صورت گرفته است و به آن استناد می‌شود؛ زیرا واژه «ارزش» در طول زمان با دگرگونی بسترهای فرهنگی جوامع دگرگون می‌شود و در جریان تغییر و دگرگونی است که موضوع تداوم آن قابل‌تأمل است. در بیان مفهوم واژه «مکان»^{۲۲}، در فرهنگ لغات مختلف، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل گرفته و رشد یافته است. در منشور بورا در تعریف «مکان» از جایگاه، چشم‌انداز، سرزمین، بنا، و مجموعه بناهایی که می‌تواند شامل اجزاء، محتویات، و مناظر باشد، نام برده‌اند.^{۲۳} مکان از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون رلف نیز متشکل از اشیای طبیعی و مصنوعی، فعالیت‌ها، عملکردها، و معانی است.^{۲۴} از این منظر فرهنگ، طبیعت، توپوگرافی، زمینه، اقلیم، نور، فرم، و درک بصری و لمسی، همه، مفهوم فضا را به تجربه مکان تبدیل می‌کنند.^{۲۵} با استناد به این دیدگاه‌ها، هستی‌کالبد معماری از بنیان‌های طبیعی، به‌مثابه بستری زاینده، و

۱۹. بررسی کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و سایت‌های معتبر و اسناد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با موضوع پژوهش.

۲۰. نک: محمدمنصور قلامکی، باززنده

سازی بناها و شهرهای تاریخی

۲۱. نک: حناچی و همکاران، همان؛

رحیم‌زاده و نجفی، همان.

22. Place

۲۳. نک:

Icomos, *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*.

24. Relf, *ibid*, p. 56.

25. M. Azizkhani, "Between the Past and the Future: Philip Johnson's Design Thinking and Practice at GAI", p. 3.

از انسان، به‌مثابه‌ی عاملی سازنده و اندیشمند، برگرفته می‌شود و مفهوم «مکان»، در عرصه‌ی حفاظت، از اثرگذاری بنیان‌های طبیعی بر اندیشه‌ی انسان و ساختار معماری شکل می‌یابد. در مفهوم‌شناسی واژه «تداوم»^{۲۶} که در زبان فارسی به‌معنای «ماندگاری و جاودانگی در طول زمان» است و در فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد^{۲۷} به‌معنای «به مدت طولانی دوام آوردن بدون تضعیف کیفیت» است، می‌توان چنین دریافت کرد که واژه «تداوم» به‌معنای «دوام آوردن با حفظ کیفیت و ثبات در ذات» قابل‌درک است. اما، از آنجاکه دوام آوردن و ثبات در بستر زمان مفهوم می‌یابد و حرکت، و پویایی را با خود به‌همراه دارد، «پویایی» نیز چون «ثبات» یکی از مؤلفه‌های اصلی تبیین «تداوم» محسوب می‌شود. بنابراین، تداوم یافتن وابسته به حضور هم‌زمان «پویایی» و «ثبات» است. حال، پاسخ به این پرسش که یک پدیده در کدام اجزای خود پویاست و در کدام بخش باید ثبات داشته باشد تا هم از کیفیت آن کاسته نشود و هم در بستر زمان و جریان زندگی زنده و پویا بماند؟ اهمیت فراوانی دارد. برخی «ثبات» در روابط بین اجزا و «پویایی» در خود اجزای پدیده مورد نظر در ادراک «تداوم» واجد اهمیت می‌دانند.^{۲۸} ارسطو نیز استمرار هویت یک شیء را منوط به بقای جوهر فردی شیء در حین تغییر می‌داند.^{۲۹} و با بر محصول این استمرار را هویتی می‌داند که در مسیر تغییرات خود پایدار است.^{۳۰} بنابراین می‌توان گفت استمرار و تداوم هویت یک پدیده به حضور دو مؤلفه «پویایی و تغییر» و «ثبات و حفاظت» به‌طور هم‌زمان نیاز دارد.

۲.۳. بیان مفهوم مکان از منظر زمانمندی و دگرگونی

مفهوم «مکان» از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان مفهومی زمانمند است. «زمان» به‌واسطه‌ی مفاهیم تغییر (به‌قول ارسطو)، تجربه (به‌قول لاک)، حرکت (به‌تعبیر نیوتن)، شهود (به‌قول

کانت)، و زمان هندسی (به‌تعبیر برگسون) با مکان مرتبط شده است.^{۳۱} چنان‌که از نگاه محققان داخلی نیز هیچ‌شیتی را نمی‌توان فارغ از درآمیختگی‌اش با زمان تفسیر کرد.^{۳۲} به عقیده‌ی کانت در معرفت‌هیچ‌چیزی زمان و مکان از آن جدا نیست و هگل زمان را بعد از مکان در نظر می‌گیرد. ملاصدرا نیز معتقد است حرکت و زمان از عوارض خارجی ماده نیست؛ زیرا حرکت در جوهر و ذات ماده زمانمند است.^{۳۳} پس آنچه از واکاوی نظریات پژوهشگران و اندیشمندان مختلف برمی‌آید، تأکید بر پیوستگی مفاهیم «حرکت» و «تغییر» با «زمان» است و از آنجاکه ذات ماده و اشیا همواره در جوهر خود در حال حرکت و جنب‌وجوش است و این حرکت تغییر را به دنبال دارد و تغییر در ماده در مکانی به‌وقوع می‌پیوندد، مکان همواره با زمان در ارتباط است. از سوی دیگر، و بنا بر آنچه گذشت، پویایی و حرکت مستمر ماده در بستر زمان در نهایت به تغییر و دگرگونی مکان می‌انجامد و از آنجاکه مفهوم «مکان» شکل‌گرفته از حضور سه عامل فضا، انسان، و کالبد است، این دگرگونی در هر سه بستر فضایی، انسانی، و کالبدی رخ خواهد داد. در بستر فضایی با دگرگونی‌های طبیعی، در بستر انسانی با تغییر و دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی، و در بستر کالبدی با تغییر ساختار و عملکرد روبه‌رو خواهیم بود. بنابراین، تغییر و دگرگونی کالبد در طول زمان اجتناب‌ناپذیر و متأثر از تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی زمانه و دگرگونی‌های طبیعی و اقلیمی است و وجه فضایی مکان، یا به‌تعبیری بنیان‌های طبیعی، نیز تحت تأثیر تغییرات اقلیمی، طبیعی، و انسانی قرار خواهند گرفت.

۳.۳. رویکردهای «کاهش خطر بلایا» و «توسعه‌ی پایدار» از منظر مدیریت تغییر

مواجهه با حقیقت دگرگونی و تغییر در طول زمان سبب شد در دو دهه اخیر مفهوم حفاظت را مدیریت تغییر یک مکان ارزشمند تعریف کنند. به‌تجوی که ارزش‌های میراثی اثر به

26. Durability

27. Oxford Dictionary

۲۸. نک: علی‌الحسابی، همان.

۲۹. وینسنت برومر، «هنست، تغییر و حفظ

هویت»، ص ۴۶.

۳۰. نک:

Y. Salahaddin Baper, "The

Role of Heritage Buildings in

Constructing the Durability of

Architectural Identity in Erbil

City".

۳۱. صوحی و همکاران، همان، ص ۹۸.

۳۲. نک: محمدتقی جعفری، حرکت و

تحول از دیدگاه قرآن.

۳۳. حسن ملک‌شاهی، حرکت و استیثای

اقسام آن، ص ۲۱.

بهرترین شکل پایدار بماند و فرصت‌هایی به‌منظور شناسایی و غنا بخشیدن به ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده وجود داشته باشد.^{۳۳} بدین‌ترتیب، در گام نخست، پایداری ارزش‌های مکانی وابسته به کنترل و مدیریت تغییراتی است که می‌توانند خاستگاه‌های متفاوت طبیعی و یا فرایندهای انسانی داشته باشند؛ چراکه پویایی و تغییر اگر ناشی از بلایای طبیعی و مداخلات نامناسب انسانی باشد، می‌تواند تهدیدی جدی برای ارزش‌های میراث معماری محسوب شود. بر این اساس، یونسکو در سال ۲۰۱۰ با همکاری سه نهاد مشورتی ایکروم^{۳۴}، ایکوموس^{۳۵} و اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت^{۳۶} و مرکز میراث جهانی استراتژی‌هایی برای مدیریت کاهش خطر بلایا در میراث جهانی تعیین کرد که، بر اساس اولویت‌های کاری، سند هیوگو تنظیم شدند.^{۳۷} در سال ۲۰۱۵ نیز سندی با عنوان «چارچوب سندی برای کاهش خطر بلایا (۲۰۱۵ - ۲۰۳۰)» در سندای ژاپن تصویب شد. در این سند برای نخستین بار، به‌طور مستقیم، از برنامه‌ریزی کاهش خطر برای حفاظت از میراث فرهنگی سخن به میان آمد. تعاریف واژگان مرتبط با مدیریت و کاهش خطر بلایا در سازمان‌های مرتبط چنین است:

خطر: رویداد، پدیده، یا فعالیت انسانی بالقوه و مخرب فیزیکی است که ممکن است منجر به از دست دادن جان و یا زخمی شدن، تخریب ساختمان‌ها، بی‌نظمی و اختلال در سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی، انحراف، و فروپاشی محیطی گردد. خطر‌ها می‌توانند دارای انواع علل طبیعی یا شامل فرایندهای انسانی باشند.^{۳۸} خطر یک پدیده طبیعی مانند زلزله یا گردباد است که پتانسیل ایجاد اختلال و خرابی در آثار فرهنگی را دارد.^{۳۹}

بلا: اختلالی جدی در عملکرد یک جامعه است که سبب به‌وجود آمدن زیان‌های گسترده زیست‌محیطی، اقتصادی، کالبدی، و انسانی می‌شود.^{۴۰} بلا معمولاً تا جایی گسترش می‌یابد که نتواند بر مردم و اموال آنها اثر می‌گذارد؛ بلکه بر ارزش‌های تاریخی آثار میراث جهانی و متعلقات و اکوسیستم آن‌ها نیز تأثیر دارد.^{۴۱}

کاهش خطر بلایا: اقداماتی است که از طریق تلاش‌های روش‌مند برای بررسی و کاهش عوامل مسبب بلایا انجام می‌شود (در «ت» ۱) فرایند ارزیابی خطر برای تعیین راهکارهای کاهش خطر نشان داده شده است).

مدیریت خطر: فرایندی است که به شناسایی، ارزیابی، و تحلیل و بررسی آسیب احتمالی در بافت یا سایت تاریخی می‌پردازد و استراتژی‌های کاهش خطر بلایا را به جهت کاستن از میزان خطر توسعه می‌دهد.^{۴۲}

از سوی دیگر، با بحث روزافزون بر سر تغییرات آب‌وهوایی و گرم شدن کره زمین و برشمردن آن در زمره بلایای طبیعی و به میان آمدن رویکرد کاهش خطر، حفاظت با عنوان فرایند «توسعه پایدار» در شهرهای تاریخی طرح شد. این اصطلاح در سال ۱۹۸۷ در کمیسیون بین‌المللی محیط زیست و توسعه^{۴۳} پیشنهاد شده بود، توسعه پایدار توسعه‌ای تعریف می‌شود که نیازهای مردم کنونی را بدون از بین بردن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای‌شان برطرف می‌کند.^{۴۴}

به‌این‌ترتیب، در دهه‌های گذشته، پایداری به‌طور فزاینده‌ای در سیاست‌های میراث جهانی پذیرفته شد. به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۴ در دستورالعمل‌های عملیاتی برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی برای اولین بار به «استفاده پایدار» از مناظر فرهنگی اشاره شد و اخیراً در سال ۲۰۱۵ نیز کمیته میراث جهانی «سیاست ادغام چشم‌انداز توسعه پایدار در فرایندهای



34. English Heritage, p. 7.
35. ICCROM
36. ICOMOS
37. IUCN

۳۸. در کسب مدیریت خطر بلایا برای میراث جهانی روشی برای شناسایی، ارزیابی، و کاهش خطر بلایا بیان شده است و بر پایه این روش چگونگی تهیه یک طرح (Digital rights management) مدیریت حقوق دیجیتال توضیح داده شده که هدف آن کمک به مدیران سایت‌های میراث تاریخی-فرهنگی برای کاهش خطرات بلایای طبیعی و انسانی است.

39. National Commissions for UNESCO: annual report, 2015.
40. Ibid.

۴۱. سازمان ملل متحد، چارچوب سندی برای کاهش خطر بلایا، (۲۰۱۵-۲۰۳۰)
42. The World Heritage Centre of UNESCO, ICCROM, ICOMOS, IUCN: Managing Disaster Risks for World Heritage; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2010.
43. Ibid.

ت ۱. فرایند ارزیابی خطر، مأخذ: The World Heritage Centre of UNESCO, ICCROM, ICOMOS, IUCN; Managing Disaster Risks for World Heritage; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2010, p. 26.



میراث معماری، اندیشهٔ انسان، و بنیان‌های طبیعی (به‌منزلهٔ شاخص‌های ارزش مکانی) در طول زمان اتفاق می‌افتد، مانایی و حفاظت باید در ارتباط و پیوستگی میان اثر با بنیان‌های طبیعی و اندیشهٔ ساخت رخ دهد تا تداوم و استمرار برقرار شود. در چنین شرایطی است که «پویایی و تغییر» در خود شاخص‌ها یا عناصر و «ثبات و حفاظت» در روابط میان آن‌ها متضمن استمرار حیات میراث معماری و تداوم ارزش‌های مکانی آن در بستر زمان خواهد بود. حال، در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری که در زمانهٔ حاضر و با اندیشه‌های نسلِ مواجه با اثر اتفاق می‌افتد، چگونگی کاربست دو مؤلفهٔ «حفاظت» و «پویایی» برای دستیابی به هدف تداوم ارزش‌ها مقوله‌ای مهم است. موضوعی که تاکنون نیز در اقدامات باززنده‌سازی محل گفتگو و اختلاف‌نظر متخصصان بوده و معیاری برای ارزیابی اقدامات و مداخلات صورت‌گرفته و سنجش میزان موفقیت طرح‌های باززنده‌سازی در حفاظت از ارزش‌ها و یا پویایی اثر در زندگی امروز وجود نداشته است. به‌این‌ترتیب، انتخاب رویکردهایی که در جریان باززنده‌سازی هم به حفاظت و هم به پویایی اثر بیانجامد اهمیت فراوانی می‌یابد. مدل مفهومی «باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» در «ت ۲» ارائه شده است. این مدل مفهومی نمایانگر الگویی برای فرایند باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای حفاظت و تداوم ارزش‌های مکانی است. بر این اساس رویکرد باززنده‌سازی باید بر مبنای اصل تداوم، یعنی مبنی بر حضور هم‌زمان دو مؤلفهٔ «حفاظت» و «پویایی»، باشد. از این‌رو، با توجه به اینکه «حفاظت» باید از رابطهٔ میان شاخص‌های مکانی (رابطهٔ میان بنیان‌های طبیعی با کالبد معماری و با اندیشهٔ ساخت) صورت گیرد و این رابطه در ساختار (طراحی، سازه، و مصالح)، عملکرد (عملکرد اصلی و عملکرد ریزفضاها)، منظر طبیعی (پیوستگی عناصر طبیعی و کالبد)، و معنا (اعتقادات و باورها، پیوستگی عناصر طبیعی، و عملکرد) قابل‌شناسایی است، باید در گام

کتونسیون میراث جهانی»^{۴۶} را تصویب کرد. این امر انسجام سیاست را با دستور کار سازمان ملل متحد برای توسعهٔ پایدار تضمین می‌کند و چگونگی کمک میراث جهانی به سه بعد کلیدی توسعهٔ پایدار را نشان می‌دهد: پایداری زیست‌محیطی، توسعهٔ اجتماعی- فرهنگی، و توسعهٔ اقتصادی.

۴. یافته‌های حاصل از مطالعات نظری

۱.۴. تبیین مفهوم، شاخص‌ها، و ابعاد ارزش‌های مکانی

از جمع‌بندی مباحث پیشین چنین برمی‌آید که از ارتباط و اثرگذاری متقابل میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده به مفهوم «مکان» (یعنی فضا، انسان، و کالبد) ارزش‌های مکانی شکل می‌گیرند و شاخص‌های ارزش مکانی نیز بر اساس این مؤلفه‌ها به‌ترتیب بنیان‌های طبیعی، اندیشهٔ ساخت، و کالبد معماری خواهد بود. با توجه به شاخص‌ها و تأثیرگذاری و ارتباط میان آن‌ها (یعنی تأثیر جغرافیای طبیعی شامل عناصر طبیعی و توپوگرافی و بستر استقرار «بر کالبد» در شکل‌گیری فرم و ساختار معماری و به‌کارگیری نوع مصالح و منظر طبیعی اثر و «بر انسان» در انتخاب عملکرد و اندیشهٔ طراحی و اندیشهٔ اجرا و خلق معنا)، ارزش‌های مکانی در ابعاد ساختار، عملکرد، معنا، و منظر میراث معماری قابل‌شناسایی و احصا خواهند بود.

۲.۴. چارچوب مفهومی باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی

با توجه به اصل تداوم یک پدیده که حضور پویایی (تغییر) و ثبات (حفاظت) در آن پدیده است، از یک سو، بقا و استمرار حیات میراث معماری نمی‌تواند بدون حرکت و پویایی باشد و تنها در این صورت است که می‌توان قائل به تداومی در زندگی آن شد و از سوی دیگر، مانایی و ثبات در ذات اصلی اثر را می‌طلبد. بنابراین، از آنجاکه پویایی و تغییر در کالبد

44. WCED: World Commission on Environment and Development

۴۵. جوی بالهر، آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، ص ۹۸.

46. National Commissions for UNESCO: annual report, 2015.

۱.۵. جغرافیای طبیعی سرزمین عیلام

تمدنی باستانی با نام «عیلام» از حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد تا ۶۴۶ پیش از میلاد در پهنه گسترده‌ای از غرب تا جنوب غرب و جنوب ایران مستقر بوده است. درباره وجه تسمیه نام عیلام در کتاب *باستان‌شناسی ایلام* آمده است: «این نام را کاتبان سومری به سرزمین‌های بلند شرق بین‌النهرین داده بودند که با شیوه منطقی آنجا را سرزمین بلند می‌خواندند»^{۳۷}. بنابراین، در همین ابتدای امر با وجه تسمیه نام «عیلام»، که از جغرافیای منطقه برآمده است، رویه‌رو هستیم. «انسان» در ارتفاعات و «شوش» در دشت‌های جلگه‌ای زاگرس، که جلگه‌هایی حاصلخیز هستند، دو زیستگاه مهم عیلامی‌ها بودند. منطقه شوش از جمله مناطق پایداری بود که زندگی در آن در طول زمان تداوم یافت؛ زیرا بر روی تاق‌دیس‌هایی (برآمدگی‌هایی) قرار داشت که، از نظر زمین‌شناسی، استحکام آن‌ها را در برابر طغیان رودخانه‌های منطقه تضمین می‌کرد. همچنین وجود ناودیس‌ها

در میان آن‌ها که محل جریان رودخانه‌ها و جایگاه مناسبی برای رسوب‌گذاری بودند، بهترین مکان را برای کشاورزی ایجاد کرده بود. پوشش گیاهی متنوع و بیشه‌های انبوهی در دو سوی رودهای دز و کرخه وجود داشت و نقوش روی سفالینه‌های به‌دست‌آمده از شوشان نشان از تنوع گیاهی و جانوری منطقه دارند. برای ساخت سفال، خشت و آجر، و بیشه‌زار تأمین چوب برای سوخت مورد نیاز و سواحل رود منبع تأمین خاک مناسب بود.^{۳۸} به‌این ترتیب، پایداری زمین و بلندی آن ایمنی را برای استقرار، و آب رود زمین حاصلخیز را برای تأمین معاش عیلامیان فراهم کرد و نوع استقرار بین دشت و کوه به آن‌ها امکانات زیادی برای زندگی در طول تاریخ داد. پیوند میان جلگه حاصلخیز و قابل‌نیاری و بیشه‌زارها برای تأمین چوب از عوامل مؤثر در استقرار عیلامیان و شکل‌گیری شهر دوراوتناش و معبد چغازنبیل بود. در «ت ۳» بافت جغرافیایی محدوده شهر دوراوتناش و موقعیت قرارگیری معبد چغازنبیل مشاهده می‌شود.



۳۷. دانیل توماس پاتس، *باستان‌شناسی ایلام*، ص ۳۳.
 ۳۸. محمدحسین طالبیان، *نقش مفهوم اصالت در حفاظت محوطه‌های میراث جهانی دوراوتناش برای حفاظت مبتنی بر اصالت*، ص ۲۸۶.

ت ۳. بافت جغرافیایی محدوده شهر تاریخی دوراوتناش و چغازنبیل، مأخذ: مرکز اسناد پارکگاه میراث جهانی چغازنبیل.

۲.۲. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر ساختار شهر دوراوتناش و مجموعه معماری چغازنبیل

همچنان استحکام و سختی خوبی دارند که از دلایل آن وجود مقادیر کافی کانی در خاک اولیه ساخت و ترکیباتی است که به‌طور طبیعی به‌همراه رسوبات رسی رودخانه‌ای یافت می‌شوند. درواقع، وجود مقادیر کافی کانی در خاک اولیه باعث شده که آجرها استحکام و سختی بیشتری داشته باشند.^{۳۳} همچنین، برای مقاومت‌سازی بنا در مقابل باران‌های زمستانی، پوششی از آجرهای پخته به ضخامت یک متر و نیم بر روی هسته خشتی زیگورات ایجاد و از ملات گچ و قیر نیز در نقاط حساس استفاده شده است^{۳۴} و همه این تمهیدات برای بنای معبدی به کار رفته‌اند که، به‌سبب مقدس بودن و جایگاه خدایان، باید استحکام و ماندگاری داشته باشند. در «ت ۴ و ۵» توپوگرافی محدوده مورد مطالعه و موقعیت قرارگیری معبد نسبت به عناصر طبیعی پیرامون نشان داده شده است. همچنین در آن‌ها امتداد حصار سوم در ضلع شمالی مجموعه، که با تکیه بر تاق‌دیس سردارآباد شکل گرفته، قابل مشاهده است. وجود تاق‌دیس و تپه‌ها در پشت حصار ضلع شمالی سبب هدایت و جاری شدن نزولات آسمانی به سمت رودخانه می‌شود، همچنین، مانند یک سد طبیعی در برابر رودخانه، شهر و مجموعه معماری آن را از خطر سیل در امان نگه می‌دارد.

اما تهدید سیل از سوی رودهای دز و کرخه، تغییرات میزان آب در فصول مختلف، و بالا بودن زمین‌های کشاورزی

شهر دوراوتناش در بخش کوچکی از پهنه زاگرس چین‌خورده قرار دارد که، به‌دلیل وجود نهشته‌های نرم‌رسا و سازندهای سخت‌شده دوره‌های مختلف زمین‌شناسی، ریخت‌شناسی ویژه‌ای برآن حاکم است. پادشاه عیلام این شهر قرن پیش از د در عتی حدود ۱۰۰ هکتار بنا کرد.^{۳۵} شهری مذهبی که شکل طبیعی منطقه و رود در شکل‌گیری فرم آن مؤثر بوده است. بنابر بررسی‌ها، معماری و شهرسازی این شهر با محاسبات دقیق و از پیش طراحی‌شده بنا شده و مکان‌یابی آن به نحوی بوده است که بر روی بلندترین نقطه ارتفاعی (تاق‌دیس سردارآباد^{۳۶}) این دشت ابرفتی قرار گیرد و به سرتاسر دشت اشراف داشته باشد.^{۳۷} فضاهای این شهر با سه حصار متحدالمرکز تفکیک شده‌اند که در مرکز آن‌ها زیگورات بزرگ چغازنبیل قرار دارد که طرح آن مربعی‌شکل و زوایای آن به سوی جهات اربعه است. حصارها به‌تبعیت از شکل زمین، بدون تقارن و در فواصل نامساوی، شهر را به سه منطقه تقسیم کرده و به‌تبعیت از تپه‌ها خط سیر مناطق را شکل داده‌اند و همچنین ضلع شمالی حصار سوم به ناهمواری سردارآباد تکیه دارد.^{۳۸} مصالح معماری یعنی خشت و آجرهای به‌کاررفته در این معبد، علی‌رغم فرسایش‌های محیطی و گذشت زمان،

۳۹. نک: نما بهاروند و همکاران، «بررسی زمین ساخت فعال در تاق‌دیس سردارآباد و اثر آن بر معبد چغازنبیل».

۴۰. تاق‌دیس سردارآباد با طول ۱۳۸۰ متر و عرض ۱۵۰۰ متر و با راستای شمال غربی - جنوب شرقی در جنوب غربی هفت‌تپه قرار دارد.

۴۱. نک: رومن گریسمن، چغازنبیل.

۴۲. انوش ساکی پوری، طراحی و مرمت محیطی منظر فرهنگی چغازنبیل، ص ۳۸.

۴۳. منیژه هادیان دهکردی، «نقش آثارهای فیزیکی و شیمیایی مالت در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی؛ مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل»، ص ۳۳.

۴۴. نک: B. Mofidi-Nasrabadi, et al, "Elam and its Neighbors: Recent Research and New Perspectives".

ت ۴ (راست). بافت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و موقعیت معبد و عناصر طبیعی، مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

ت ۵ (چپ). توپوگرافی شهر دوراوتناش و وضعیت استقرار معبد نسبت به تاق‌دیس سردارآباد، مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.



نسبت به تراز رودخانه باعث شد که انسان آن روزگار به فناوری ساخت سازه‌های آبی برای دفع آب‌های سطحی نیز دست یابد. در واقع بستر رودخانه‌های این دشت اغلب رسوبی و سطح آب از زمین‌های اطراف پایین‌تر است و با توجه به این وضعیت، تأسیسات و سازه‌هایی در اطراف شهر دورواتناش و در جوار حصارها برای هدایت آب‌های سطحی از داخل شهر و مجموعه به سمت بیرون حصار ساخته شد. این تأسیسات شامل ناودان‌ها، چاه‌های جذبی، و سازه‌های آبی است که تنها یکی از آن‌ها در ضلع شمال‌غربی حصار سوم سالم باقی مانده است (ت ۶ و ۷ و ۸).

۳.۵. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر آیین و مذهب در شهر دورواتناش و مجموعه معماری چغازنبیل

در جوامع باستانی همواره بلندترین و مرتفع‌ترین بناها معابد بودند که در نقاط پایدار ساخته می‌شدند. تفکر جایگاه خدایان

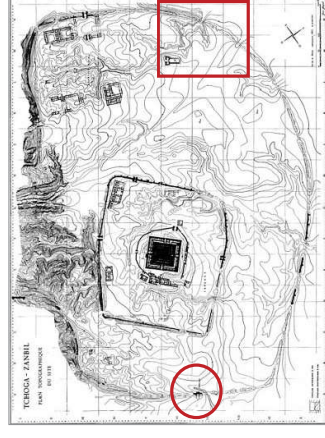
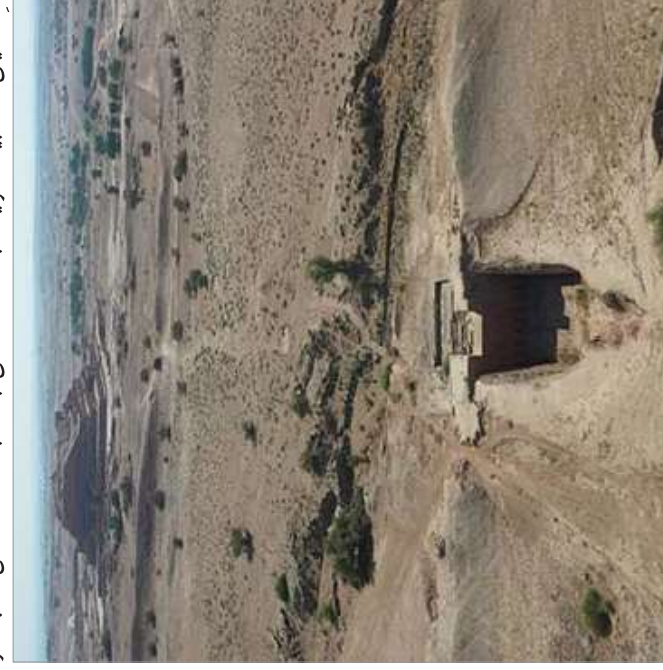
بودن در کوه‌های مقدس همواره در سراسر جهان باستان وجود داشت، به همین دلیل، عیلامی‌ها سرزمین خود را «هاتمتی» خوانده‌اند که این کلمه از دو قسمت «ها» به معنی سرزمین و «تمتی» به معنی مقدس یا خدایان تشکیل گردیده و در مجموع به معنی «سرزمین مقدس» یا «سرزمین خدایان» است.^{۵۵} معبد چغازنبیل یا معبد اصلی شهر دورواتناش، که همان زیگورات (برج مطبق) شهر است، برای پرستش دو خدای اینشوشینک (مهم‌ترین خدای ساکین دشت خوزستان) و نیپریشا (مهم‌ترین خدای ساکین ارتقاغات) ساخته شده است و بر برخی از آجرهای آن حک شده است:

من اوتناش ناپریشا، پسر هوبانوما، شاه انزان و شوش، به خدای ناهوتنه (خدای خورشید) نماز گزارم. آن را در مکان مقدس قرار دادم.^{۵۶}

معماری معابد و رابطه آن با طبیعت از جمله رویکردهای طبیعت‌گرایانه با نگاه مقدس به معبد است. محل معابد در

۵۵. عززت‌الله نکجهان، حفاری هفت‌په دشت خوزستان، ص ۱۲۴.

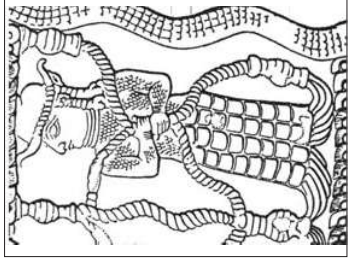
۵۶. همان، ص ۱۲۶.



ت ۶ (است، بالا). سازه آبی واقع در ضلع شمال غربی معبد چغازنبیل، عکس: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

ت ۷ (است، پایین). موقعیت سازه‌های آبی زهکش‌ها (حصار سوم در ضلع شرقی (علامت مستطیل) و شمال غربی (علامت دایره) چغازنبیل، مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

ت ۸ (چپ). موقعیت قرارگیری سازه آبی حصار سوم واقع در ضلع شمال غربی نسبت به معبد چغازنبیل، عکس: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.



ت ۹. الهه آب، قسمتی از لوح سنگی اوتانشگال، ۱۳۰۰ ق.م؛ شوش، مأخذ: پرادا و همکاران، هنر ایران باستان، تمدن‌های پیش از اسلام، ص ۸۱.

بسیاری از ادیان بر اساس موقعیت جغرافیایی تعیین شده است و خصوصیات فضای مقدس بر اساس ویژگی‌های طبیعی و همچنین با نظر به برخی از عناصر مانند آب، کوه، و خورشید انتخاب شده است.^{۵۷} در سال‌های اخیر با کشف استقرارها و مکان‌های مذهبی دیگر (محوطه دهنو) در نزدیکی دوراوتناش، جغرافیای طبیعی این منطقه به‌مثابه بستری مستعد برای شکل‌گیری شهرهای مذهبی باستانی، بیش از پیش برجسته می‌شود. در تپه دهنو، واقع در ۲۰ کیلومتری غرب هفت‌تپه و ۷ کیلومتری رود دز و شهر باستانی دوراوتناش، آجزینشته‌ای به زبان اکدی و خط ایلامی میانه به‌دست آمده که مربوط به پادشاه ایلامی است و به مرمت و بازسازی معبدی برای ایزدبانو اشاره دارد.^{۵۸} و گویای وجود معبدی در لایه‌های تاریخی دوران ایلامی آن است. نمونه این آجزینشته در چغازنبیل نیز به‌دست آمده که به ساخت معبد بلند اشاره کرده است. ارتباط میان شهر دوراوتناش و دهنو و مکتوب کردن عمل ساخت و مرمت معبد و نام بردن از مکانی مقدس و بلند گویای اهمیت این منطقه به‌لحاظ ویژگی‌های طبیعی آن برای شکل‌گیری یک شهر مذهبی و آیینی است. بنابراین، «عیلام» به‌معنای سرزمین مرتفع و «هاتمتی» به‌معنای سرزمین مقدس دربرگیرنده عناصر طبیعی مقدسی چون کوه، بیشه‌زار، رود، و دشت انتقال‌دهنده مفاهیم ذهنی، معنایی، و اعتقادی انسان آن روزگار هستند. آب نیز، چون کوه، نمادی از تقدس و حیات بود و از آنجا که انسان باستانی برای عوامل اثرگذار در جریان زندگی خود خدایانی در نظر گرفته بود، ایزد آب‌ها نیز جایگاه والایی داشت.^{۵۹} نمونه این الهه در عیلام به‌صورت زنی که نیمی از بدنش جریان آب است، در لوح سنگی اوتانشگال به چشم می‌خورد (ت ۹).

۴.۵. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر منظر طبیعی

شهر دوراوتناش و مجموعه معماری چغازنبیل همان‌طور که پیش‌تر شرح داده شد، رودخانه دز یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر شکل‌گیری این شهر است. این رودخانه در محدوده مورد نظر در اثر برخورد با موانع تغییر مسیر داده و وجود برکه‌های هلالی با نهشته‌های سیلانی حاشیه آن‌ها خاک‌های زراعی مرغوبی را تشکیل داده است.^{۶۰} و سبب ایجاد بیشه‌زارها و جنگل‌های طبیعی در سطح نسبتاً وسیعی شده است. جنگل‌های دز و کرخه بازمانده جنگل‌های وسیعی هستند که در گذشته تا بین‌النهرین نیز امتداد داشته‌اند، اما به‌مرور و بر اثر عوامل طبیعی و غیرطبیعی از دست رفته‌اند. امروز منظر طبیعی پیوسته با شهر دواوتناش و میراث معماری چغازنبیل شامل رود، بیشه‌زار، دشت، تپه‌ها، و ارتفاعات به‌جامانده از گذشته است. «ت ۱۰» وضعیت ژئومورفولوژی و پیوستگی چشم‌انداز رود، بیشه‌زار، ارتفاعات، و مجموعه شهر را نشان می‌دهد.

۶. تحلیل یافته‌ها با بررسی ابعاد ارتباطی شاخص‌ها و ابعاد احصای ارزش‌های مکانی

در مطالعات میدانی با بررسی ویژگی‌های جغرافیای طبیعی منطقه و ساختار کالبدی شهر دوراوتناش و میراث معماری آن (ضمن مطالعه اسناد تاریخی) همه داده‌ها به روش مشاهده مستقیم ثبت شد و پس از آن، داده‌ها و نتایج مشاهدات میدانی با دیگر پژوهش‌های مرتبط موجود تطبیق و همسنجی شد

57. B. Afkhami, "Phenomenology of Choghazanbil Zigurat", p. 9.
۵۸. نک: سینا عباسلو و منوچهر پورمیرزا «دو آجزینشته نوبافته ایلامی در دشت شوش».

۵۹. مریم ابراهیمی‌پور و احمد نادعلیان، «ارتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان»، ص ۸۵.
۶۰. مجیدزاده، ۱۳۸۱: ۸۱
۶۱. ساکی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۵.

و بر اساس نتایج حاصل، تفسیر و تحلیل داده‌ها و استدلال منطقی آن‌ها انجام گرفت. بدین‌ترتیب، می‌توان بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار را برشمرد و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری شهر و مجموعه میراث معماری چغازنبیل را به شرح زیر خلاصه کرد: الف. تپه‌ماهورها و تاق‌دیس سردارآباد واقع در حد فاصل رودخانهٔ

در و شهر دوراوتناش که (۱) مانند سدی طبیعی مانعی برای وقوع سیلاب‌های ویران‌کننده است، (۲) بلندترین نقطهٔ ارتفاعی را برای شکل‌گیری شهر و مجموعهٔ معماری فراهم آورده و با امکان اشراف کامل به دشت و نقاط پایین‌دست ایجاد امنیت کرده است، (۳) قرارگیری بر روی آن و اتکای به آن استحکام بستر استقرار و کالبد اثر را تضمین کرده است و بخشی از یک منطقهٔ با ویژگی لرزه‌خیزی ضعیف محسوب می‌شود، (۴) منظر طبیعی میراث معماری چغازنبیل را شکل داده است، (۵) به‌منزلهٔ یکی از عناصر تأثیرگذار طبیعت بر مذاهب و آیین‌های باستانی (کوه؛ نماد جایگاه بلند خدایان)، در شکل‌دهی به ساختار کالبدی

و معماری معبد نقش مهمی داشته است، (۶) با قرار دادن شهر در تراز ارتفاعی بالاتر سبب ایجاد مهارتی برای تعامل با طبیعت و دفع آب‌های سطحی با ساخت تأسیسات شهری شده است، (۷) ساختار شهر و حصارها با تبعیت از توپوگرافی و تاق‌دیس شکل گرفته است.

ب. رودخانهٔ در واقع در ضلع شمالی شهر تاریخی و مجموعهٔ چغازنبیل که (۱) منظر طبیعی شهر دوراوتناش و مجموعهٔ معماری آن را شکل داده است، (۲) به‌منزلهٔ یکی از عناصر تأثیرگذار طبیعت بر مذاهب و آیین‌های باستانی، مفاهیم مذهبی و آیینی یک شهر مقدس را عینیت و معنا بخشیده است، (۳) سبب استقرار و شکل‌گیری مکان‌های مقدس و معابد عیلامی در پهنه‌ای فرهنگی در پیرامون رودخانه شده است، (۴) نقش و جایگاه ویژه‌ای به عنصر آب در هنر عیلامی داده است، (۵) ترکیبات موجود در رسوبات رسی سبب ساخت و تولید آجرها و خشت‌های مقاوم‌تر با مقادیر کافی کانی در خاک شده است،



ت ۱۰. وضعیت ژئومورفولوژی و پیوستگی منظر طبیعی مجموعه میراث معماری چغازنبیل، مأخذ: وبگاه اینترنتی میراث جهانی چغازنبیل.

۶) بیشه‌زارها و جنگل را همچون منبع تأمین چوب و سوخت لازم کوره‌ها برای تولید سفال، خشت، و آجر به‌وجود آورده است.

پ. بیشه‌زار پیرامون رودخانهٔ دز شکل گرفته و (۱) منظر طبیعی میراث معماری چغازنبیل را شکل داده است و (۲) منبعی برای تأمین چوب و سوخت لازم برای تولید سفال، خشت، و آجر در ساخت معبد و شهر بوده است.

بر اساس مطالعات انجام‌شده و با شناخت روابط میان بنیان‌های طبیعی منطقه با شهر و مجموعهٔ معماری و تحلیل این روابط، اثرگذاری شاخص‌ها بر یکدیگر و در ابعاد مختلف مشخص شد. با توجه به نتایج این بررسی، می‌توان شاخص‌های ارزش مکانی مجموعهٔ چغازنبیل را بر پایهٔ «بنیان‌های طبیعی» در ۳ گروه تقادیس سردارآباد، رودخانهٔ دز، و بیشه‌زار، «بر پایهٔ

معماری» در ۳ گروه شهر دورواتاش، مجموعهٔ معماری چغازنبیل، و سازه‌های آبی، و «بر پایهٔ حضور انسان» در اندیشهٔ ساخت با رویکرد کاهش خطر و خلاقیت و مهارت‌تامل با طبیعت مشخص کرد. در «جدول ۱» نتایج حاصل از تحلیل داده‌های میدانی را در قالب تعیین شاخص‌ها، ارزش‌های مکانی به‌وجود آمده، و ابعاد شناسایی آن‌ها مشاهده می‌شود.

۷. فرایند باززنده‌سازی میراث معماری چغازنبیل بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی

پیش‌تر روابط میان شاخص‌های مکانی در شهر تاریخی دورواتاش و مجموعهٔ معماری چغازنبیل و تأثیر چندسویهٔ آن‌ها بر یکدیگر و شکل‌گیری ارزش‌های مکانی بررسی شد. بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش، با مشخص شدن روابط میان شاخص‌ها و شناسایی ارزش‌های مکانی، رویکرد مناسب برای حفاظت از این روابط، در جریان باززنده‌سازی، رویکرد کاهش خطر بلایا است. برای عرضهٔ راهکارهای کاهش خطر بلایا، ابتدا خطرات انسانی و طبیعی اولیه و ثانویه در منطقه بررسی و ارزیابی گردیده و عناصر آسیب‌پذیر شناسایی و میزان آسیب‌پذیری احتمالی بر ارزش‌های مکانی مشخص شده است. در «ت ۱۱» فرایند این ارزیابی را از شناسایی خطر تا ارائهٔ راهکارها مشاهده می‌شود.

در مجموعهٔ چغازنبیل خطر روان‌آب‌ها و سیل، به‌علت ضعف ذاتی زمین در برابر رطوبت و همچنین خسارتی که بارندگی‌های شدید در مدت کوتاه بر سایت وارد می‌کنند، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حفاظت است. بررسی آمار مدت، شدت، و داده‌های بارندگی ایستگاه کلیمتائولوژی هفت‌په نشان می‌دهد که بارش‌های منطقه با شدت بالا و در مدت کم اتفاق می‌افتد که میزان آسیب‌رسانی آن را شدیدتر می‌کند. همچنین بر اساس گزارش‌های پایگاه جهانی چغازنبیل، باران‌های سیل‌آسا، روان‌آب‌ها، و تغییرات آب‌وهوایی و اقلیمی سبب

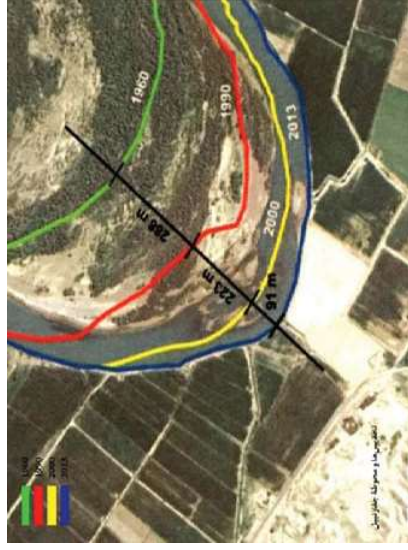
جدول ۱. اثرگذاری بنیان‌های طبیعی و ابعاد شناسایی ارزش‌های مکانی در مبنای‌های طبیعی

ابعاد	اثرگذاری	شاخص ارزش مکانی در بنیان‌های طبیعی
معنایی	وجه تسمیهٔ نام تمدن عیلام	تپه‌هاورها و تقادیس سردارآباد (ارتفاعات)
معنایی	نماد تقدس و جایگاه خدایان بونن	
منظری	چشم‌انداز وسیع دشت برای معبد	
ساختاری	استحکام و پایداری زمین و بستر استقرار اثر	
ساختاری، عملکردی	ساختار، عمکردی (به دلیل بالا بودن تراز ارتفاعی نسبت به رودخانه)	ساخت تأسیسات شهری و سازه‌های آبی
ساختاری	شکل‌گیری فرم شهر و حصارها	شکل‌گیری فرم شهر و حصارها
عملکردی	بلندی و اشراف به دشت	بلندی و اشراف به دشت
منظری	شکل‌گیری منظر پیوستهٔ دشت، بیشه‌زار و زمین‌های کشاورزی	شکل‌گیری منظر پیوستهٔ دشت، بیشه‌زار و زمین‌های کشاورزی
ساختاری، عملکردی	ساختار، عمکردی (به دلیل پایین بودن تراز رودخانه)	ساخت سازه‌های آبی (به دلیل پایین بودن تراز رودخانه)
ساختاری، عملکردی	ساختار، عمکردی (مقادیر کافی کانی)	ساخت مصالح با کیفیت (حاک مناسب سواحل رود و رسوبات رسی و مقادیر کافی کانی)
معنایی	نقش اثرگذار آب در مذهب، برگزاری آیین‌ها و هنر عیلامی	نقش اثرگذار آب در مذهب، برگزاری آیین‌ها و هنر عیلامی
	استقرار و شکل‌گیری مکان‌های مقدس و معابد عیلامی در محیط پیرامون رودخانه	استقرار و شکل‌گیری مکان‌های مقدس و معابد عیلامی در محیط پیرامون رودخانه
ساختاری	منبع مناسب برای سوخت کوره‌های سنتی و تولید خشت و آجر	منبع مناسب برای سوخت کوره‌های سنتی و تولید خشت و آجر
منظری	معنایی، منظری	پیوستگی با منظر طبیعی و ارتباط شهر مقدس با طبیعت



کاهش پوشش گیاهی، فقدان مواد آلی در پروفیل سطحی خاک، افزایش دمای سطح خاک، و در نهایت تخریب خاک و فرسایش در کل محدوده تأقدیس شده است. بنابر نتیجه بررسی تراکم پوشش گیاهی جنگلی در محدوده حریم منظر محوطه میراث جهانی چغازنبیل، مساحت پوشش های جنگلی در بازه زمانی ۲۳ ساله بیش از ۳۸٪ کاهش داشته است. همچنین طبق مطالعات انجام گرفته در پایگاه، با استفاده از تصاویر ماهواره ای لندست و باند مادون قرمز تصاویر این ماهواره، کاهش میزان رسوب رودخانه به دلیل احداث دو سد بر روی رودخانه دز در شهر دزفول مشاهده شده است. احداث این دو سد تنظیمی بر روی رودخانه سبب انباشت و ته نشین شدن رسوبات در مخزن آن ها و تخلیه آب خالص بدون رسوب از سدها شده که دارای قدرت تخریبی بیشتری است و کاهش شیب در پایین دست به همراه افزایش بار تخریبی رودخانه سبب افزایش پیچ رود و ۳۱۴ متر پیشروی به طرف محوطه چغازنبیل است. در «ت ۱۲» روند پیشروی رود از سال ۱۹۶۰ تا سال

۲۰۱۳ قابل تشخیص است. از جمله خطرات ناشی از فعالیت های انسانی نیز می توان به احداث حوضچه های ماهی، حفر چاه، تسطیح اراضی، راه سازی، احداث تأسیسات و کارخانه های صنعتی، و به طور کلی گسترش کشت و صنعت اشاره کرد که تغییرات شدید زیست محیطی را به دنبال داشته است. با توجه به این خطرات، عناصر آسیب پذیر مجموعه (مرتبط با شاخص های

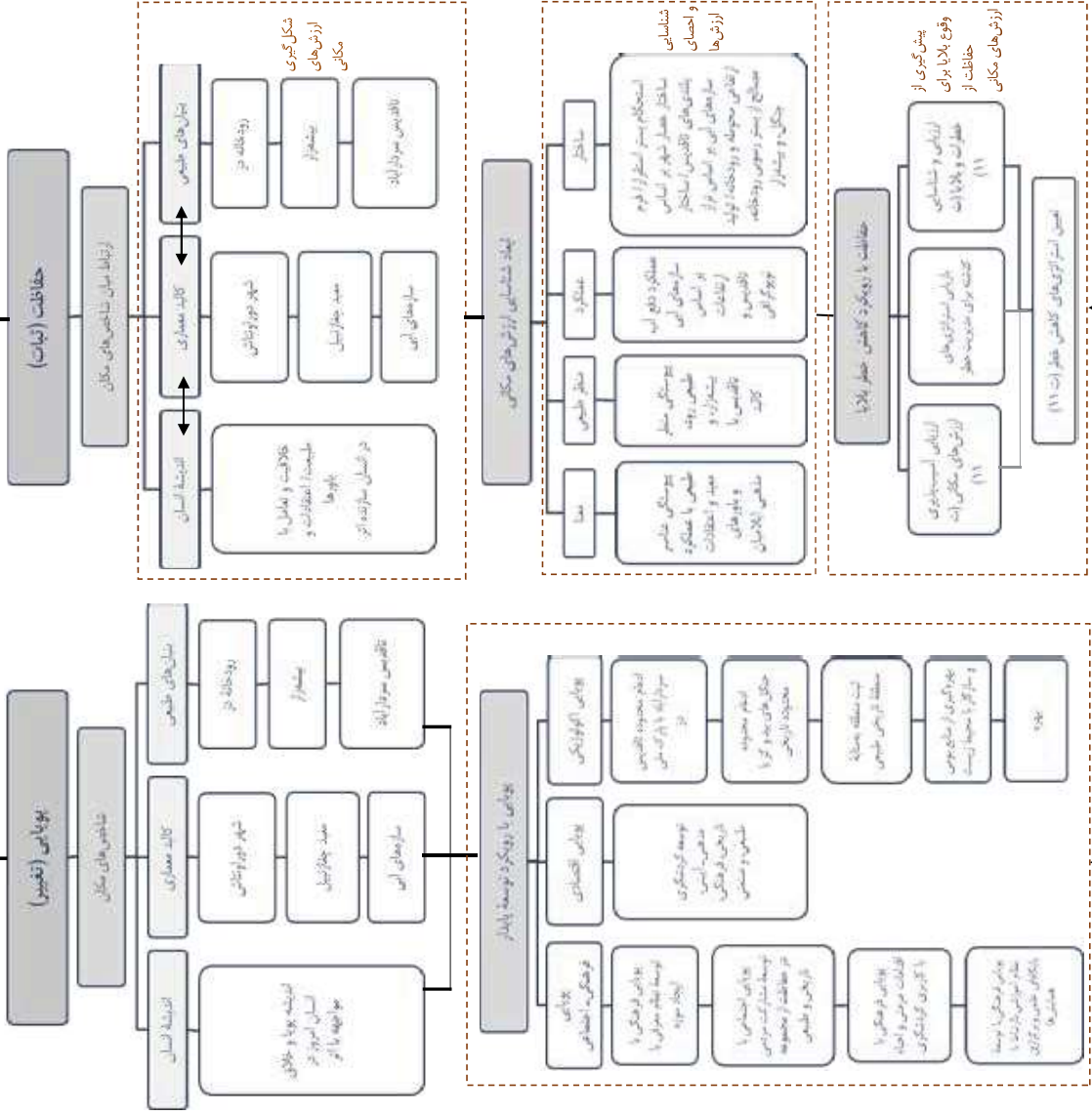


۶۲ عطفه رشونئی و مهرونش زاده دیاغ، سالنامه پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت تپه، ص ۳۱۲.

ت ۱۲ (بالا). پیشروی رودخانه به سمت محوطه چغازنبیل در بازه زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۳. مآخذ: رشونئی و زاده دیاغ، سالنامه پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت تپه. ت ۱۱ (پایین). فرایند ارزیابی خطر، شناسایی پلایا و میزان اثرگذاری بر ارزش های مکانی، طرح و تدوین: نگارندگان.



بازنده‌سازی میراث معماری چغازنبیل بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی



ت ۱۳. تدقیق چارچوب بازنده‌سازی میراث معماری بر مبنای ارزش‌های مکانی مجموعه چغازنبیل، طرح و تدوین: نگارنده.

مکانی) بررسی شده و وقوع بلایای ناشی از خطرات انسانی و طبیعی شناسایی گردیده و بر این اساس اثر گذاری این بلایا بر ارزش‌های مکانی پیش‌بینی و طبقه‌بندی شده است. بیشترین احتمال وقوع بلا احتمال وقوع سیل ناشی از خطراتی چون تسطیح تاقدیس سردارآباد، کاهش پوشش گیاهی بیشه‌زار و جنگل دز، و طغیان بارندگی و پیشروی رودخانه به سمت مجموعه تاریخی است.

تغییرات ایجادشده در این عناصر طبیعی در سال‌های گذشته بر ارزش‌های مکانی شناسایی‌شده در مجموعه تأثیر گذاشته و بدون تدابیر لازم و عرضه راهکارهای پیشگیری برای کاهش خطر بلایا، شاهد از دست رفتن این ارزش‌ها خواهیم بود. از این‌رو در بازنده‌سازی میراث معماری چغازنبیل، اتخاذ رویکرد کاهش خطر بلایا و عرضه راهکارهای آن برای تداوم ارزش‌های مکانی مجموعه یک ضرورت است. راهکارهای عرضه‌شده در این پژوهش مرتبط با ارزش‌های مکانی و با رویکرد کاهش خطر بلایا است و بدیهی است که برای حفظ و استمرار همه ارزش‌ها، مجموعه نیازمند طرح مدیریت خطر بلایا و عرضه راهکارهایی جامع‌تر است. راهکارهای پیشگیری و کاهش خطر بلایا برای تداوم ارزش‌های مکانی احصاشده در مجموعه میراث معماری چغازنبیل شامل تهیه نقشه‌های خطر و آسیب‌پذیری در محدوده و حریم سایت جهانی، استحکام‌بخشی سازه‌ها یا مصالح بومی، هدایت صحیح روان‌آب‌ها از سایت و خروج آن‌ها با احیای ناودان‌های طراحی‌شده در گذشته، احیای سازه‌های آبی مجموعه برای به‌کارگیری دوباره سیستم دفع آب در گذشته، متوقف کردن تسطیح تاقدیس، متوقف کردن احداث سد، و کشت و صنعت بی‌رویه انسانی می‌شود. بدین ترتیب، کاربست مؤلفه «حفاظت» به‌منزله یکی از مؤلفه‌های «تداوم» در جریان بازنده‌سازی مجموعه چغازنبیل، با رویکرد کاهش خطر بلایا می‌تواند به تداوم ارزش‌های مکانی شهر تاریخی دورآنتاش و مجموعه میراث معماری چغازنبیل بیانجامد. در

«ت ۱۳» چارچوب «بازنده‌سازی مجموعه میراث معماری چغازنبیل بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» نشان داده شده است. در این چارچوب مؤلفه «پویایی» (که باید هم‌زمان با «حفاظت» در جریان بازنده‌سازی به آن توجه شود)، باید در شاخص‌های مکان، یعنی عناصر طبیعی، کالبد معماری، و اندیشه انسان امروز، اتفاق بیفتد. پویایی اگر با رویکرد توسعه پایدار که سه هدف توسعه اکولوژیکی، فرهنگی- اجتماعی، و اقتصادی را دنبال می‌کند، صورت بگیرد، به احیای بنیان‌های طبیعی، احیا و گسترش فرهنگ، مشارکت‌های اجتماعی، به‌کارگیری نیرو و دانش بومی، و بهره‌برداری اقتصادی پایدار می‌انجامد. یکپارچه دیدن منابع طبیعی ملی منطقه با محدوده تاریخی، یعنی ادغام پارک ملی دز و جنگل‌های بید و گز با تاقدیس سردارآباد و محدوده فرهنگی- تاریخی چغازنبیل، نه تنها به حفاظت یکپارچه این مجموعه کمک خواهد کرد؛ بلکه موجب توسعه گردشگری (با توجه به پتانسیل‌های منطقه) از گردشگری صرف تاریخی، فرهنگی به گردشگری تاریخی، فرهنگی، طبیعی، صنعتی، و مذهبی- آیینی (به‌منزله بخشی از تاریخ مذاهب و ادیان باستانی) خواهد شد. بدیهی است که این توسعه به بهره‌برداری اقتصادی پایدار نیز می‌انجامد. به این ترتیب، مؤلفه «پویایی» در بازنده‌سازی میراث معماری با رویکرد توسعه پایدار به پتانسیل‌های موجود در منطقه مبتنی است و برای توسعه روزآمدی، و تغییر به مفهوم پایداری اتکا دارد و می‌تواند سبب تداوم ارزش‌های مکانی مجموعه چغازنبیل شود.

۸. نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش بیانگر آن هستند که پیوستگی و ارتباط تأثیرگذار و متقابل میان شاخص‌های جغرافیای طبیعی، اندیشه انسان و کالبد، در زمان ساخت اثر «ارزش‌های مکانی» را خلق می‌کند. از سوی دیگر، برای پاسخ دادن به چگونگی «تداوم ارزش‌ها» در این عرصه، به بررسی و شناخت اصل



«تداوم» پرداخته شد. بر پایه مطالعات نظری، مفهوم تداوم دارای دو مؤلفه «پویایی در اجزا» و «حفاظت از روابط» است که تداوم یک پدیده را وابسته به حضور هم‌زمان آن دو مؤلفه می‌کند. از آنجاکه پویایی و تغییر در کالبد میراث معماری، اندیشه انسان، و بنیان‌های طبیعی (به‌منزله شاخص‌های ارزش مکانی) در طول زمان اتفاق می‌افتد و اجتناب‌ناپذیر است، حفاظت باید در «ارتباط و پیوستگی» میان آن‌ها رخ دهد تا تداوم و استمرار برقرار شود. حال، در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری که در زمانه حاضر و با اندیشه‌های نسل مواجه با اثر اتفاق می‌افتد، چگونگی کاربست دو مؤلفه «حفاظت» و «پویایی» برای دستیابی به هدف تداوم ارزش‌ها مقوله‌ای مهم است و انتخاب رویکردهایی، که در جریان باززنده‌سازی هم به حفاظت و هم به پویایی اثر بیانجامد، اهمیت فراوانی می‌یابد. مدل مفهومی عرضه‌شده در پژوهش الگویی برای فرایند باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای حفاظت و تداوم ارزش‌های مکانی است. بنابراین، رویکرد باززنده‌سازی باید بر مبنای اصل تداوم، یعنی مبتنی بر حضور هم‌زمان دو مؤلفه «حفاظت» و «پویایی» باشد. از این‌رو، با توجه به اینکه «حفاظت» باید از رابطه میان شاخص‌های مکانی (رابطه میان بنیان‌های طبیعی با کالبد معماری و با اندیشه ساخت) صورت گیرد و این رابطه در ساختار (طراحی، سازه، و مصالح)، عملکرد (عملکرد اصلی و عملکرد ریزفضاها)، منظر طبیعی (پیوستگی عناصر طبیعی و کالبد)، و معنای (اعتقادات و باورها، پیوستگی عناصر طبیعی و عملکرد) اثر قابل‌شناسایی است، باید در گام نخست ارزش‌های مکانی نهفته در این ابعاد را شناسایی و احصا کرد. برای «حفاظت» از ارزش‌های مکانی احصاشده، در فرایند باززنده‌سازی و در الگوی پیشنهادی، رویکرد کاهش خطر بلایا که به حفاظت می‌انجامد، انتخاب شده است. این رویکرد، با شناسایی خطرات، بلایا، و عناصر آسیب‌پذیر، تأثیر احتمالی خطرات و بلایا را بر ارزش‌های مکانی بررسی می‌کند و با عرضه راهکارهای کاهش خطر، به حفاظت ارزش‌های مکانی

می‌انجامد. از سوی دیگر، برای مدیریت تغییرات اجتناب‌ناپذیر و ایجاد پویایی به‌منزله مؤلفه دیگر تداوم، باید رویکردی را انتخاب و پیش رو قرار داد که تغییرات و پویایی را برای باززنده‌سازی اثر به سمت توسعه حفاظت‌محور مدیریت کند. رویکرد توسعه پایدار به‌منزله رویکردی که به پایداری محیط زیست، توسعه اقتصادی، و توسعه فرهنگی-اجتماعی توجه دارد، هم شاخص‌های ارزش مکانی را در بر می‌گیرد و هم به شاخص‌های تأثیرگذار در باززنده‌سازی، اعم از اقتصاد، فرهنگ، و اجتماع، توجه می‌کند. مؤلفه «پویایی» در باززنده‌سازی میراث معماری با رویکرد توسعه پایدار به پتانسیل‌های موجود در منطقه مبتنی است و برای توسعه، روزآمدی، و تغییر به مفهوم پایداری اتکا دارد و می‌تواند در کنار مؤلفه «حفاظت» موجب تداوم ارزش‌های مکانی در فرایند باززنده‌سازی شود. نتایج بررسی اسنادی و مشاهدات میدانی در مجموعه میراث معماری چغازنبیل، به‌منزله نمونه موردی پژوهش که پیوندی عمیق با جغرافیای طبیعی و ارزش‌های مکانی غنی دارد، نشان می‌دهد که شاخص‌های ارزش مکانی بر پایه بنیان‌های طبیعی در ۳ گروه تقادیس سردارآباد، رودخانه دز، و بیشه‌زار، بر پایه معماری در ۳ گروه شهر دوراوتناش، معماری معبد چغازنبیل، و سازه‌های آبی، و بر پایه حضور انسان در اندیشه ساخت، خلاقیت، و مهارت تعامل با طبیعت است. در نتیجه حفاظت از رابطه میان بنیان‌های طبیعی، اندیشه ساخت، و میراث معماری چغازنبیل (ارزش‌های مکانی)، حفاظت از ساختار حصار شهر در پیوستگی با تقادیس و تپه‌ماهورها، ساختار و عملکرد سازه‌های آبی در تراز ارتفاعی محوطه و رودخانه، بستر رودخانه دز، و خاک مناسب تولید مصالح، بیشه‌زار، و روش‌های تولید با کوره‌های سنتی، پیوستگی منظر طبیعی با کالبد معماری چغازنبیل، و همچنین حفاظت از کوه، آب، و بقایای معماری مذهبی محوطه دهنو در پیوستگی معنایی با شهر دوراوتناش است. در عرضه فرایند باززنده‌سازی مجموعه، با اتخاذ رویکرد کاهش خطر بلایا و با شناسایی خطرات، بلایا،

عناصر آسیب‌پذیر و تأثیرات احتمالی آنها بر ارزش‌های مکانی مجموعه، راهکارهایی برای حفاظت از آنها عرضه شد. همچنین مؤلفه پویایی در فرایند باززنده‌سازی با رویکرد توسعه پایدار و اهداف توسعه اکولوژیکی، توسعه فرهنگی-اجتماعی، و توسعه اقتصادی می‌تواند به احیای بنیان‌های طبیعی، احیا و گسترش فرهنگ، مشارک‌های اجتماعی، به‌کارگیری نیرو و دانش بومی، و بهره‌برداری اقتصادی پایدار بیانجامد. یکپارچه دیدن منابع طبیعی ملی با محدوده تاریخی چغازنبیل، یعنی ادغام پارک ملی دز و جنگل‌های بید و گز با تاق‌دیس سردارآباد و محدوده فرهنگی-تاریخی چغازنبیل، با عنوان منطقه تاریخی-طبیعی، هم حفاظت یکپارچه مجموعه را به‌دنبال خواهد داشت و هم موجب توسعه گردشگری (با توجه به پتانسیل‌های منطقه) از گردشگری صرف تاریخی-فرهنگی به گردشگری-تاریخی،

منابع و مآخذ

ابراهیمی‌پور فرسنگی، مریم و احمد نادعلیان. «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان». در فصلنامه علمی-پژوهشی نگاره، ش ۲۱ (۱۳۹۰)، ص ۸۵-۹۶.

برومر، ونسنت. «سنت، تعبیر و حفظ هویت». ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی. در هفت آسمان، دوره ۳، ش ۱۲ و ۱۳ (۱۳۸۱)، ص ۲۹-۵۰.

بهاروند، ندا و ندا آربین و محمدسالار ترخانی و منوچهر قرشی و محمدحسن طالبیان. «بررسی زمین‌ساخت فعال در تاق‌دیس سردارآباد و اثر آن بر معبد چغازنبیل». در زمین، دوره ۵، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۱-۱۴.

پاتس، دانیل توماس. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت، ۱۳۸۸.

پالمر، جوی. آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم. ترجمه علی‌محمد خورشیددوست. تهران: سمت، ۱۳۸۲.

پیرادا، ادیث و رابرت دایسون و چارلز ویلکینسون. هنر ایران باستان. تمدن‌های پیش از اسلام. ترجمه یوسف مجیدزاده. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

جعفری، محمدتقی. حرکت و تحول از دیدگاه قرآن. تهران: مؤسسه ندوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶.

فرهنگی، طبیعی، صنعتی و مذهبی-آیینی (به‌مثابه بخشی از تاریخ مذاهب و ادیان باستانی) خواهد شد. مؤلفه «پویایی» با رویکرد توسعه پایدار در باززنده‌سازی میراث معماری، به پتانسیل‌های موجود در منطقه توجه می‌کند و برای توسعه و احیای مجموعه در زمینه فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی به مفهوم پایداری اتکاء دارد و با حضور همزمان مؤلفه «حفاظت»، فرایند باززنده‌سازی را بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی پیش می‌برد. در یک جمع‌بندی ساده‌تر می‌توان چنین آورد: در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری، خوانش ارزش‌های مکانی و حفاظت و تداوم آن‌ها ضروری می‌نماید و برای تحقق این تداوم، به حضور همزمان دو مؤلفه «حفاظت» با اتخاذ رویکرد «کاهش خطر بلایا» و «پویایی» با اتخاذ رویکرد «توسعه پایدار» نیاز است.

حجت، مهدی. میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۶.

حناچی، بیروز و عباس آذری و سعید محمود کلایه. «مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی: نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار». در مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۲ (۱۳۹۲)، ص ۳۷-۴۴.

رجب‌زاده، محمدرضا و مهنام نجفی. «جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن». در مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی میراث‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: سمیرا/سندوق احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. ۱۳۸۹.

رشنوی، عاطفه و مهرنوش زاده‌دیباغ. سالنامه پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۴۰۰.

راف، ادوارد. مکان و بی‌مکانی. ترجمه محمدرضا تقصان و کاظم مندگاری و زهیر منگی. تهران: آرمانشهر، ۱۳۹۷.

سازمان ملل متحد. «چارچوب کاری هیوگو، (۲۰۱۵-۲۰۳۰)». در کنفرانس جهانی کاهش خطرپذیری در مواجهه با بحران‌ها. ترجمه ولی‌زاده زهره و مریم رحمانی و میثم میرطاهری. تهران: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران، ۱۳۹۵.

- سازمان ملل متحد. چارچوب سناری برای کاهش خطر بلایا، (۲۰۱۵-۲۰۳۰). ترجمه عباس اسنادتقی‌زاده و مصطفی محقق و کیوان کریم لو. تهران: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۹۵.
- ساکمی‌پور، انوش. طراحی و مرمت محیطی منظر فرهنگی چغازنبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- سامانیان، صمد و مهدی حجت و عادلہ محشتم. «اکاوی تاریخی و انتظام زمامند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی». در تاریخ و فرهنگ، ش ۹۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۹-۲۶.
- شیروانی، مریم و حسین احمدی و رسول وطندوست. «بازشناسی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر»، در هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، ش ۴ (اسفند ۱۳۹۵)، ص ۲۹-۵۰.
- صبوخی، غمت و محمد مسعود و داریوش مرادی چادگان. «تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان». در صفا، ش ۸۵ (تابستان ۱۳۹۸)، ص ۹۵-۱۱۶.
- طالبیان، محمد حسن. نقش مفهوم اصالت در حفاظت محوطه‌های میراث جهانی دورانتاش برای حفاظت مبتنی بر اصالت. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- عباسلو، سینا و منوچهر پورمیرزا. «دو آجرنیشته نوبافته ایلامی در دشت شوشان». در دوفصلنامه تخصصی پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال دوم، ش ۱ (پاییز و زمستان، ۱۳۹۸)، ص ۵۷-۷۰.
- علی‌الحسانی، مهران و راضیه رضازاده و نصیبه چریگو. «ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن». در باغ نظر، دوره ۱۴، ش ۵۲ (مهر ۱۳۹۶)، ص ۱۷-۲۶.
- Relation to the World Heritage Convention. 1994. <http://icomos.org/index.php/en/charters-and-texts>
- Mofidi-Nasrabadi, Behzad & Doris Prechel & Alexander Pruß (eds.). "Elam and its Neighbors: Recent Research and New Perspectives". In Proceedings of the International Congress Held at Johannes Gutenberg University Mainz (Elamica 8), Hildesheim: Verlag Franzbecker, September 21-23, 2016.
- Nakhaei, M., & M. Correia. "Water-Risk Management In TCHOGHHA ZANBIL World Heritage Site In Iran, With A Focus On The Ancient Management System". In HERITAGE2020 (3DPast | RISK-Terra) International Conference, Valencia, Spain. 9-12 September 2020; DOI:10.5194/ispris-archives-XLIV-M-1-2020-683-2020
- Rolph, E. *Place and Placelessness*. Pion Limited, London. 1976.
- The World Heritage Centre of UNESCO, ICCROM, ICOMOS, IUCN; *Managing Disaster Risks for World Heritage*; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2010.
- فلاح، محمداذق و لیلا کمالی و صمد رشیدی. «نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری». در باغ نظر، دوره ۱۴، ش ۴۶ (فروردین ۱۳۹۶)، ص ۱۵-۲۲.
- فلامکی، محمدمنصور. *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- گریشمن، رومن. چغازنبیل. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- لطفی، سهند. «پژوهشی درباره دگرپرسی و پایداری در مرمت شهری». در: هنرهای زیبا، ش ۳۱ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۲۶-۱۵.
- مظفر، فرهنگ و هادی ندیمی و ابودر صالحی. «هستی‌شناسی مکان تاریخی». در پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۱۵ (تابستان ۱۳۹۶)، ص ۲۰-۳۳.
- مفیدی نصرآبادی، بهزاد. حفاری‌های چغازنبیل، پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه: گزارش عملیات حفاری بین‌المللی. ۱۳۷۸.
- ملکنشاهی، حسن. حرکت و استیفای اقسام آن. تهران: سروش، ۱۳۷۶.
- نگهبان، عزت‌الله. حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۳.
- هادیان دهکردی، منیژه. «نقش آنالیزهای فیزیکی و شیمیایی مالت در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی: مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل». در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، آلمان، ۱۳۹۵.
- یوکیلتو، یو.کا. تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه، ۱۳۸۷.
- Alkhami, Behrouz. "Phenomenology of Choghanabil Ziqurat". In *Journal of Ancient History and Archaeology*, No. 6.1 (2019). DOI: 10.14795/j.v6i1.355
- Azizkhani, Mehdi. "Between the Past and the Future: Philip Johnson's Design Thinking and Practice at GAI". In *International Journal of Islamic Architecture*, Vol. 6, No. 1 (2017).
- Baper, Y. Salahaddin. "The Role of Heritage Buildings in Constructing the Durability of Architectural Identity in Erbil City". In *International Transaction Journal of Engineering, Management, & Applied Sciences & Technologies*, 9(1) (2018), pp. 1-12. DOI: 10.13866/ijta.6.1.121_1
- Hoflings, L.G. "Values in Place: A Value-oriented Approach toward Sustainable Place-shaping". In *Regional Studies, Regional Science*, Vol. 2 No. 1 (2015).
- ICOMOS. *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. 2013. <https://www.icomos.org/charters>
- ICOMOS Charter. *The Nara Conference on Authenticity in*